

بسم الله الرحمن الرحيم

عهد معهود

درس گفتارهایی از: مسعود بسیطی

با اهتمام: زهرا مرادی

در دوره‌ی «عهد معهود» با حقایقی از آفرینش آدم علیه السلام و فلسفه‌ی آفرینش آدمی به روایت هدایتگران آسمانی آشنا خواهید شد. همچنین در این دوره، از عهدی که آدم علیه السلام با خداوند متعال می‌بندد سخن خواهیم گفت؛ عهدی که قرار می‌شود تمامی بنی آدم - از جمله من و شما - تا قیام قیامت به آن پایبند بمانند!

درس چهارم: عهد خدا با آدم علیه السلام

در جلسات گذشته به این موضوع پرداخته شد که: خداوند، آدم علیه السلام را خلق کرد و نور اهل بیت را در صُلب او قرار داد. سپس به جهت تکریم آن وجودهای شریف که قرار بود از نسل آدم علیه السلام پای بر زمین بگذارند به شیطان و ملائک امر فرمود تا بر آدم علیه السلام سجده کنند. فرشتگان سجده کردند؛ اما شیطان که از جتّیان بود، کبر ورزید و به خدا گفت من برتر از این موجود گلی هستم و هرگز بر او سجده نخواهم کرد. خداوند او را به سبب تمرّد از فرمان الهی، از مقام و جایگاه خود بیرون نمود. شیطان، کینه‌ی آدم را به دل گرفت و از خداوند متعال تا روز قیامت مهلت خواست که با وسوسه‌ی آدمیان، انتقام خود را از ایشان بگیرد. خداوند حکیم به او مهلت داد؛ اما نه تا روز قیامت؛ بلکه تا روز ظهور آخرین جانشینش بر روی زمین، مهدی موعود.

در این جلسه به ادامه‌ی ماجرا خواهیم پرداخت:

خداوند، پس از خلق آدم و همسرش حوّا، باغی مصفاً از باغ‌های دنیایی^۱ برای سکونت در اختیارشان گذاشت تا از نعمت‌های آن بهره‌مند گردند و در آسایش و رفاه، بندگی خالق خویش به جای آورند. آدم علیه السلام که مسجود ملائک شده بود و اکنون نیز باغی زیبا و پر نعمت از جانب پروردگار در اختیارش قرار گرفته بود، به ذهنش چنین خطور کرد که «آیا واقعا خداوند متعال، مخلوقی برتر از من نیز خلق کرده است؟»^۲ خداوند که از دل آدم علیه السلام

^۱ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ» یعنی: و به آدم گفتیم تو و همسرت در این باغ ساکن شوید: قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۵. هنگامی که از امام صادق علیه السلام به عنوان مبین و مفسّر حقیقی قرآن درباره‌ی «الْجَنَّةَ» یا همان باغی که در این آیه از آن سخن گفته شده، سوال کردند، ایشان فرمودند: «جَنَّةٌ مِنْ جَنَّاتِ الدُّنْيَا تَطْلُعُ فِيهَا الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَلَوْ كَانَتْ مِنْ جَنَّاتِ الْخُلْدِ مَا خَرَجَ مِنْهَا أَبَدًا» یعنی: باغی از باغ‌های دنیایی بود که ماه و خورشید در آن طلوع می‌کردند و اگر از باغ‌های بهشتی بود هیچ گاه از آن خارج نمی‌شدند: بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۸۵.

^۲ امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ آدَمَ عَ لَمَّا أَكْرَمَهُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ بِإِسْجَادِ مَلَائِكَتِهِ لَهُ وَ بِإِدْخَالِهِ الْجَنَّةَ قَالَ فِي نَفْسِهِ هَلْ خَلَقَ اللَّهُ بَشَرًا أَفْضَلَ مِنِّي فَعَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَا وَقَعَ فِي نَفْسِهِ فَنَادَاهُ أَرْفَعُ رَأْسَكَ يَا آدَمُ فَانْظُرْ إِلَى سَاقِ عَرْشِي فَرَفَعَ آدَمُ رَأْسَهُ فَتَنَظَّرَ إِلَى سَاقِ الْعَرْشِ فَوَجَدَ عَلَيْهِ مَكْتُوبًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ- مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيَّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ زَوْجُهُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ... وَ هُمْ خَيْرٌ مِنْكَ وَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِي وَ لَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُكَ وَ لَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ فَإِبَاكَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الْحَسَدِ فَأَخْرَجَكَ عَنْ جِوَارِي» یعنی: وقتی

آگاه بود، بدو وحی نمود تا به عرش الهی نظری افکند. آدم علیه السلام که به عرش نگریست، این عبارات را مشاهده نمود:

"لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ زَوْجُهُ
فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ"^۳

خدایی جز الله نیست؛ محمد فرستاده‌ی الله است؛ علی فرزند ابوطالب، امیر مومنان است و همسرش فاطمه سرور زنان عالمیان است و حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت هستند.

سپس خداوند خطاب به آدم فرمود:

"[این پنج تن یعنی محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین] از تو و از همه‌ی مخلوقاتم برترند. [بدان و آگاه باش] اگر اینان نبودند، تو را خلق نمی‌کردم و همچنین بهشت و جهنم و آسمان و زمین را نمی‌آفریدم."^۴

پس از آنکه خداوند، جایگاه والا و مقام شامخ اهل بیت علیهم السلام را به آدم گوشزد نمود، با وی عهد بست تا رسول خاتم و جانشینان ایشان را به برتری و سرپرستی قبول داشته باشد و نسبت به ایشان حسد نرزد؛ در غیر این صورت از جوار پروردگار اخراج می‌گردد.^۵ اما شیطان که سوگند خورده بود انتقام خود را از آدم و بنی آدم بگیرد، دست به کار شد و کاری کرد تا آدم علیه السلام عهدی را که با خدا بسته بود فراموش نماید. خداوند متعال در قرآن کریم چنین می‌فرماید:

"وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَتَنَیْهِ وَ لَمْ يَجِدْ لَهُ عَزْمًا"^۶

و به یقین پیش از این با آدم عهد بستیم اما [آن را] فراموش کرد، و او را [در نگاهداشت آن عهد] استوار نیافتیم.

خداوند، آدم علیه السلام را به واسطه‌ی سجده کردن ملائکه گرامی داشت و او را داخل بهشت نمود در دلش خطور کرد که «آیا خداوند خلقی برتر از من آفریده است؟» خداوند آنچه را از دل او گذشت، دانست. به او وحی کرد که «ای آدم سرت را بلند کن و به ساق عرش نظر افکن». آدم سرش را بالا آورد و به ساق عرش نگاه کرد. دید آنجا نوشته شده: «خدایی جز الله نیست؛ محمد فرستاده‌ی الله است؛ علی فرزند ابوطالب، امیر مومنان است و همسرش فاطمه سرور زنان عالمیان است و حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت هستند» ... ایشان از تو و از همه‌ی مخلوقاتم برترند. اگر آنها نبودند تو را خلق نمی‌کردم و همچنین نه بهشت و جهنم و نه آسمان و زمین را نمی‌آفریدم. مبدا به آنها با دیده‌ی حسادت نگاه کنی که از جوار خود خارج می‌کنم»: عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۰۶ و ۲۰۷. ؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۸۶، ذیل آیات ۲۵ و ۲۶ سوره بقره. ؛ بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۷۳.

^۳ "فَعَلَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَا وَقَعَ فِي نَفْسِهِ فَتَذَاهُ اِرْقَعَ رَأْسَكَ يَا آدَمُ فَانْظُرْ إِلَى سَاقِ عَرْشِي فَارْفَعْ رَأْسَهُ فَتَنَظَّرَ إِلَى سَاقِ الْعَرْشِ فَوَجَدَ عَلَيْهِ مَكْتُوبًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ- مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ زَوْجُهُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ": بنگرید به پاورقی پیشین

^۴ "وَهُمْ خَيْرٌ مِنْكَ وَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِي وَ لَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُكَ وَ لَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ": بنگرید به پاورقی شماره ۲.

^۵ "فَإِيَّاكَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَيْهِمْ بَعَيْنِ الْحَسَدِ فَأَخْرَجَكَ عَنْ جَوَارِي": بنگرید به پاورقی شماره ۲. ؛ همچنین بنگرید به پاورقی شماره ۸.

^۶ قرآن کریم، سوره طه، آیه ۱۱۵.

امام باقر علیه السلام به عنوان یکی از ۱۴ مفسر حقیقی قرآن - که علم قرآن به تمامی در سینه‌ی ایشان است - در تبیین این آیه می‌فرماید:

"خداوند از آدم علیه السلام درباره‌ی محمد ط^ی الله علیه و آله و سلم و امامان پس از ایشان عهد گرفت. اما آدم عهدش را ترک کرد و در او عزمی برای نگهداری پیمانش وجود نداشت."^۷

ایشان در ادامه توضیح می‌دهند به همین دلیل که آدم علیه السلام در نگهداری عهدی که با خدا بسته بود عزم خویش را جزم نکرد، از پیامبران اولوالعزم محسوب نشد. چرا که پیامبران اولوالعزم، از این جهت «اولوالعزم» یعنی صاحبان عزم (اراده) خوانده می‌شوند که ایشان در عهدی که با خدا درباره‌ی محمد و جانشینان پس از ایشان تا حضرت مهدی ع^ی الله تعالی فرجه الشریف بسته بودند با عزم و اراده‌ای راسخ پابرجا ماندند.^۸

اما ببینیم چه اتفاقی رخ داد که آدم علیه السلام عهد خود را فراموش نمود؟

همانطور که اشاره شد، خداوند به آدم علیه السلام درباره‌ی شأن و منزلت ویژه‌ی پیامبر خاتم و اهل بیتش تذکر داد و آدم نیز با خدای تعالی عهد بست همواره ایشان را به برتری و سرپرستی خود قبول داشته باشد. اما با آنکه عهد بسته بود جایگاه خود را نسبت به ایشان فراموش نکند در دل، آرزوی داشتن جایگاه و منزلت آن چهارده وجود برگزیده را نمود. شیطان هم از همین نقطه ضعف سوء استفاده کرد و آدم علیه السلام را در همین مورد وسوسه نمود.^{۱۰}

ماجرای اینگونه بود که در آن باغ مصفا که خداوند رحمان در اختیار آدم و همسرش حوا قرار داده بود، نعمت‌ها و میوه‌های متعددی وجود داشت که آنها اجازه داشتند از هر کدام به هر اندازه که مایلند استفاده کنند. اما در میان باغ، یک درخت خاص وجود داشت که آدم و حوا از نزدیک شدن به آن صریحا منع شده بودند؛^{۱۱} درختی بهشتی که میوه‌های متعددی همچون سیب، انگور، خرما و حتی گندم از آن می‌روید.^{۱۲} آن درخت در واقع،

^۷ امام باقر علیه السلام در تبیین آیه ۱۱۵ سوره طه می‌فرماید: "قَالَ عَهْدًا إِلَيْهِ فِي مُحَمَّدٍ وَالْأَيِّمَةِ مِنْ بَعْدِهِ فَتَرَكَ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَزْمٌ أَنَّهُمْ هَكَذَا"؛ کافی، ج ۱، ص ۴۱۶؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۷۸۰. ذیل آیه ۱۱۵ سوره طه؛ متن فارسی این حدیث در تفسیر جامع، ج ۴، ص ۳۰۶ و ۳۰۷ نیز آورده شده است.

^۸ "قَالَ عَهْدًا إِلَيْهِ فِي مُحَمَّدٍ وَالْأَيِّمَةِ مِنْ بَعْدِهِ فَتَرَكَ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَزْمٌ أَنَّهُمْ هَكَذَا وَ إِنَّمَا سُمِّيَ أُولُو الْعَزْمِ أُولَى الْعَزْمِ لِأَنَّهُ عَهْدَ إِلَيْهِمْ فِي مُحَمَّدٍ وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ وَ الْمَهْدِيِّ وَ سَيَرْتِهِ وَ أَجْمَعَ عَزْمُهُمْ عَلَى أَنَّ ذَلِكَ كَذَلِكَ وَ الْإِفْرَارِ بِهِ"؛ بنگرید به پاورقی پیشین.

^۹ امام رضا علیه السلام در ادامه‌ی حدیث نقل شده در پاورقی شماره ۲ می‌فرماید: "فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ ... فَإِيَّاكَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَيْهِمْ بَعَيْنِ الْحَسَدِ فَأَخْرَجَكَ عَنْ جَوَارِي فَتَنَظَّرَ إِلَيْهِمْ بَعَيْنِ الْحَسَدِ وَ تَمَنَّى مَنَزِلَتَهُمْ فَتَسَلَّطَ الشَّيْطَانُ عَلَيْهِ حَتَّى أَكَلَ مِنَ الشَّجَرَةِ الَّتِي تُهَيَّئُ عَنْهَا" یعنی: خداوند عز و جل فرمود ... مبدا به ایشان (رسول خاتم و اهل بیتش) با دیده‌ی حسد نگاه کنی که از جوار خود خارج می‌کنم. اما آدم با چشم حسد به آنها نگرست و مقام آنها را آرزو نمود. پس شیطان بر او مسلط گشت تا این که از درخت ممنوعه خورد؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۰۷.

^{۱۰} بنگرید به پاورقی پیشین.

^{۱۱} خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: "وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ" یعنی: ای آدم تو و همسرت در این باغ سکنی گزینید و از [میوه‌های] آن از هر کجا که خواستید بخورید و [اما] به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود؛ قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۵.

^{۱۲} امام حسن عسکری می‌فرماید: "هِيَ شَجَرَةٌ تَمَيَّزَتْ مِنْ بَيْنِ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ أَنَّ سَائِرَ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ كَانَ كُلُّ نَوْعٍ مِنْهَا يَحْمِلُ نَوْعًا مِنَ الثَّمَرِ وَ الْمَأْكُولِ وَ كَانَتْ هَذِهِ الشَّجَرَةُ وَ جَنْسُهَا تَحْمِلُ الْبُرِّ وَ الْعِنَبَ وَ التَّيْنَ وَ الْعُنَابَ وَ سَائِرَ أَنْوَاعِ الثَّمَرِ وَ الْقَوَاكِيهِ وَ الْأَطْعِمَةِ فَلِذَلِكَ اخْتَلَفَ الْحَاكُونَ بِذِكْرِ الشَّجَرَةِ فَقَالَ بَعْضُهُمْ هِيَ بُرَّةٌ وَ قَالَ آخَرُونَ هِيَ عِنَبَةٌ وَ قَالَ آخَرُونَ هِيَ تَيْتَةٌ وَ قَالَ آخَرُونَ

درخت علم رسول خاتم و خاندان پاکش بود که خداوند متعال استفاده از میوه‌های آن را تنها و تنها به اهل بیت اختصاص داده بود.^{۱۳}

شیطان که می‌دانست آدم علیه السلام تا چه اندازه مشتاق است دارای مقام و رتبه‌ی محمد مصطفی و اهل بیتش گردد، وی را وسوسه نمود تا برای رسیدن به آرزویش از میوه‌ی درخت علم محمد و آل محمد بخورد.^{۱۴} شیطان به آدم علیه السلام و همسرش گفت اگر از میوه‌ی این درخت بخورند، آنها نیز به همان درجه، مقام، برتری و قدرتی که اهل بیت علیهم السلام دارند دست می‌یابند.^{۱۵} سپس برای آنکه آن دو را از تردید خارج سازد، برای ایشان قسم خورد که راست می‌گوید و او خیرخواه آنهاست.^{۱۶} آدم و حوا نیز که تا آن زمان ندیده بودند کسی قسم دروغ به خدا ببندد، باور کردند که شیطان حقیقت را می‌گوید. به همین دلیل در حالی از میوه‌ی آن درخت خوردند که مطمئن بودند کار خطایی انجام نمی‌دهند.

۱۷

هی عُنَّابَةُ" یعنی: آن [درخت] درختی متمایز از سایر درختان باغ بود. چراکه درختان دیگر [تنها] یک نوع میوه و خوردنی می‌دادند اما این درخت، گندم، انگور، عناب، انجیر و سایر انواع خوردنی‌ها و میوه‌ها و خوراکی‌ها را تولید می‌کرد. از این روست که راویان، درباره‌ی این درخت دچار اختلاف شدند؛ برخی آن را گندم خوانده اند، بعضی انگور، دیگرانی انجیر و برخی دیگر عُنَّاب: بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۱۹۰.

^{۱۳} امام حسن عسکری علیه السلام - یازدهمین جانشین و مبین حقیقی قرآن پس از رسول خاتم - درباره‌ی درختی که آدم و حوا از آن منع شدند چنین می‌فرمایند: "وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ هَذِهِ الشَّجَرَةُ الْعِلْمُ شَجَرَةُ الْعِلْمِ فَإِنَّهَا لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ خَاصَّةٌ دُونَ غَيْرِهِمْ لَا يَتَنَاوَلُ مِنْهَا بِأَمْرِ اللَّهِ إِلَّا هُمْ ... وَ قَالَ اللَّهُ وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ تَلْتَمِسَانِ بِذَلِكَ دَرَجَةَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي فَضْلِهِمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَصَّهُمْ بِهَذِهِ الدَّرَجَةِ دُونَ غَيْرِهِمْ وَ هِيَ الشَّجَرَةُ الَّتِي مَنْ تَنَاوَلَ مِنْهَا يَأْذِنُ اللَّهُ لَهُمَ عِلْمُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ مِنْ غَيْرِ تَعْلَمٍ وَ مَنْ تَنَاوَلَ مِنْهَا يَغْيِرُ إِذْنُ اللَّهِ خَابَ مِنْ مُرَادِهِ وَ عَصَى رَبَّهُ" یعنی: درخت ممنوع، درخت علم است؛ درخت علم محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم که با آن، خداوند ایشان را بر سایر مخلوقاتش برتری داد. از این روست که [به آدم و حوا] فرمود به این درخت نزدیک نشوید. [چراکه آن] درخت علم است که تنها به محمد و خاندانش اختصاص دارد و به امر خدا هیچ کس جز ایشان از آن تناول نمی‌کند (به کسی جز ایشان خدا اذن نداده که از میوه‌ی آن درخت بخورد) ... «و به این درخت نزدیک نشوید» تا بخواهید [با خوردن از آن] درجه‌ی محمد و آل او را در برتری طلب کنید، چراکه خداوند این درجه [از برتری] را تنها به ایشان اختصاص داده است. و آن درختی است که هرکه به اذن الهی از آن بخورد علم اولین و آخرین بدون آموزش به او الهام می‌شود، و هرکه بی‌اذن الهی از آن بخورد به مراد خود نمی‌رسد و پروردگارش را نافرمانی کرده است: تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۷۸. ذیل آیات ۲۵ و ۳۶ سوره بقره. ؛ بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۱۸۹ و ۱۹۰.

^{۱۴} بنگرید به پاورقی شماره ۹.

^{۱۵} امام حسن عسکری علیه السلام در ادامه‌ی روایت مذکور در پاورقی شماره ۱۳ می‌فرمایند: "فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا عَنِ الْجَنَّةِ يَوْسُوسَتَيْهِ وَ خَدِيعَتَيْهِ وَ إِيهَامَيْهِ وَ غُرُورِهِ بِأَنَّهُ يَدَّأ يَأْذِمُ فَقَالَ- مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَينِ إِنَّ تَنَاوَلْتُمَا مِنْهَا تَعْلَمَانِ الْغَيْبَ وَ تَقْدِرَانِ عَلَى مَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ مَنْ خَصَّهُ اللَّهُ تَعَالَى بِالْقُدْرَةِ- أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ لَا تَمُوتَانِ أَبَدًا- وَ قَاسَمَهُمَا حَلَفَ لَهُمَا إِيَّيَ لَكُمَْا لِمَنِ النَّاصِحِينَ" یعنی: شیطان با وسوسه، نیرنگ، به اشتباه انداختن، و سخنان فریب آمیز آن دو (آدم و حوا) را از آن باغ لغزانند (خارج کرد) و ابتدا شروع به صحبت کردن با آدم کرد و گفت: خداوند شما را از خوردن [میوه‌ی] این درخت منع نکرده مگر برای آنکه علم‌خواسته شما دو فرشته شوید؛ [چراکه] اگر از این درخت بخورید [شما نیز مانند محمد و آل محمد: بنگرید به پاورقی شماره ۹] علم غیب پیدا می‌کنید و قدرت‌تان به اندازه‌ی قدرت آنها که خدا بدیشان قدرت اختصاص داده می‌گردد و یا از جاودان‌گان خواهید شد که هیچ گاه مرگ شما را در بر نمی‌گیرد. سپس شیطان برای آن دو سوگند خورد که قطعاً خیرخواه آنهاست: تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۷۹. ذیل آیات ۳۵ و ۳۶ سوره بقره. ؛ بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۱۹۰.

^{۱۶} "وَ قَاسَمَهُمَا إِيَّيَ لَكُمَْا لِمَنِ النَّاصِحِينَ": قرآن کریم، سوره اعراف، آیه ۲۱. ؛ همچنین بنگرید به پاورقی پیشین.

^{۱۷} امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: "لَمْ يَكُنْ آدَمُ وَ حَوَّاءُ شَاهِدًا قَبْلَ ذَلِكَ مَنْ يَخْلُقُ بِاللَّهِ كَاذِبًا فَذَلَّاهُمَا يَغُرُّونَ فَآكَلَا مِنْهَا ثَقَلَتْ بِهِمِ يَنِيهِ بِاللَّهِ" یعنی: آدم و حوا قبل از آن کسی را ندیده بودند که قسم دروغ به خدا بخورد، پس [شیطان] با نیرنگ و حيله

بدین ترتیب شیطان به گونه‌ای آدم علیه السلام را درباره‌ی دستیابی به جایگاه ویژه‌ی اهل بیت ترغیب و وسوسه کرد که او به کَلّی فراموش نمود هنگام ورود به این باغ با خدا عهد بسته بود همواره رسول خاتم و خاندانش را به بزرگی و برتری نسبت به خود و همه‌ی مخلوقات، قبول داشته باشد.^{۱۸}

درنتیجه، عهدی که آدم علیه السلام با خدا بسته بود، شکسته شد و همین امر سبب اخراج آدم و حوا از آن باغ مصفا گردید.^{۱۹}

آدم و حوا که متوجه شدند شیطان با قسم دروغ، آنها را فریب داده تا فرمان الهی را زیر پا بگذارند، از کار خود پشیمان شدند و خطاب به خالق خویش چنین عرضه داشتند:

"پروردگارا [ما با این کار] به خودمان ظلم کردیم و اگر تو ما را نبخشایی و بر ما رحم
نمایی بی تردید از زیانکاران خواهیم بود."^{۲۰}

جبرائیل به فرمان الهی نزد آدم علیه السلام آمد و از او پرسید:

«آیا خداوند به تو امر نکرده بود از میوه‌ی آن درخت نخوری؟ پس چرا نافرمانی
کردی؟»^{۲۱}

آدم با چشمانی اشکبار و حالی پشیمان پاسخ داد:

«ای جبرائیل؛ ابلیس به خداوند سوگند خورد که خیرخواه من است و من هرگز گمان
نمی‌کردم مخلوقی که خداوند آن را آفریده، سوگند دروغ به خدا بخورد».^{۲۲}

جبرائیل به آدم گفت حال که از کرده‌ی خود پشیمانی، پروردگار متعال را به حق پنج تن که در آخرالزمان از صلب تو به دنیا خواهند آمد بخوان و آنها را شفیع خود قرار ده تا خدا از خطایت درگذرد. آدم علیه السلام نیز دست دعا به درگاه خداوند رحمان بلند کرد و چنین گفت:

آنها را به (خوردن از میوه‌ی درخت) راهنمایی نمود، پس در حالی از آن خوردند که به علت قسم خوردن شیطان به خدا، مطمئن بودند [که کار آن‌ها ایراد ندارد]: عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۱۹۶.

^{۱۸} بنگرید به پاورقی شماره ۶ تا ۸.

^{۱۹} "فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُم لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ".
قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۶.

^{۲۰} "رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ": قرآن کریم، سوره اعراف، آیه ۲۳.

^{۲۱} امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "فَتَزَلَّ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ ع فَقَالَ يَا آدَمُ أَلَمْ ... أَمَرَكَ أَنْ لَا تَأْكُلَ مِنَ الشَّجَرَةِ فَلِمَ عَصَيْتَهُ قَالَ يَا جَبْرَائِيلُ إِنَّ إِبْلِيسَ خَلَفَ لِي بِاللَّهِ إِنَّهُ لِي تَاصِيحٌ - وَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّ خَلْقًا يَخْلُقُهُ اللَّهُ أَنْ يَخْلِفَ بِاللَّهِ كَاذِبًا" یعنی: پس جبرئیل بر او (آدم علیه السلام) نازل شد و گفت یا آدم آیا خداوند به تو امر نکرد از [میوه‌ی] این درخت نخوری؟ پس چرا نافرمانی نمودی؟ [آدم علیه السلام] پاسخ داد [آری؛ اما] ابلیس برای من به خدا سوگند خورد که خیرخواه من است و من گمان نمی‌کردم مخلوقی که خدا آن را خلق کرده است به دروغ سوگند خدا بخورد: بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۱۶۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۸۱. ذیل آیات ۳۵ و ۳۶ سوره بقره.

^{۲۲} همان.

^{۲۳} رسول خاتم می‌فرماید: "لَمَّا تَزَلَّتِ الْخَطِيئَةُ يَادَمَ وَ أُخْرِجَ مِنَ الْجَنَّةِ أَتَاهُ جَبْرَائِيلُ ع فَقَالَ يَا آدَمُ ادْعُ رَبَّكَ قَالَ يَا حَبِيبِي جَبْرَائِيلُ مَا أَدْعُو قَالَ قُلْ رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ نُخْرِجُهُمْ مِنْ صُلَيْبِ آخِرِ الزَّمَانِ إِلَّا ثُبَّتَ عَلَيَّ وَ رَحِمْتَنِي فَقَالَ لَهُ آدَمُ يَا جَبْرَائِيلُ سَمِعْتُمْ لِي قَالَ قُلِ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ بِحَقِّ عَلِيِّ وَصِيِّ نَبِيِّكَ وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ

"بارخدايا؛ به حق محمد، پیامبرت؛ و به حق علی، وصی پیامبرت؛ و به حق فاطمه، دختر پیامبرت و به حق حسن و حسین فرزندان پیامبرت، توبه‌ی مرا بپذیر و بر من رحم آور."^{۲۴}

و اینچنین بود که خداوند رحمان، توبه‌ی آدم را پذیرفت. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

"پس آدم از پروردگار خویش کلماتی را فرا گرفت، پس [خدا] توبه‌ی او را پذیرفت، همانا او توبه‌پذیر و مهربان است."^{۲۵}

رسول اکرم به عنوان مبین و مفسر حقیقی قرآن در تبیین «کلماتی» که آدم علیه السلام با آنها خدا را خواند تا توبه‌اش مورد قبول پروردگار عالمیان قرار گرفت، تصریح فرمودند که آن کلمات، ایشان و اهل بیت پاک‌شان هستند.^{۲۶}

آری؛ شیطان سوگند خورده بود تا آدمیان را اغوا کند و از رضایت و عبودیت خالق متعال دور سازد. در اولین اقدام خود نیز از نقطه ضعف آدم علیه السلام سوء استفاده کرد و او را درباره‌ی آرزویش آنچنان وسوسه نمود که عهده‌ی را که آدم درباره‌ی قبول برتری پیامبر خاتم و اهل بیت پاکش با خدا بسته بود، فراموش کرد. اما آدم علیه السلام بر خلاف شیطان، ادب بندگی به خرج داد و به محض آنکه فهمید بر خلاف فرمان الهی رفتار نموده، با شرمندگی اظهار پشیمانی و طلب بخشش نمود. او خداوند را به حق برترین مخلوقاتش – محمد مصطفی و خاندان پاکش – خواند و خدا نیز به حرمت ایشان آدم را مورد رحمت و بخشش خویش قرار داد. در جلسه‌ی آینده به ادامه‌ی تلاش شیطان در راه اغوای آدمیان خواهیم پرداخت.

نکات مهم این جلسه

- خداوند، باغی مصفاً از باغ‌های دنیایی برای سکونت آدم و حوا در اختیارشان گذاشت.
- درختی بهشتی در میان باغ بود که آدم و حوا از خوردن میوه‌های آن منع شده بودند. آن درخت، درخت علم محمد و آل محمد بود و هیچ کس جز خود ایشان اجازه نداشت از میوه‌های آن بخورد.
- **آدم علیه السلام با خداوند متعال عهد بست تا همواره رسول خاتم و خاندان پاکش را به برتری و سرپرستی خود قبول داشته باشد و هیچگاه به ایشان به دیده‌ی حسد نگاه نکند.**
- شیطان که می‌دانست آدم علیه السلام در دل آرزو دارد به مقام و جایگاه رسول خاتم و خاندان پاکش دست یابد، با سوگندی دروغین او را فریفت. شیطان به آدم گفت اگر می‌خواهی به جایگاه آن چهارده برگزیده

سَبَّطَى نَبِيكَ إِلَّا ثَبَّتَ عَلَى فَاَرْحَمْنِي قَدْغَا بِهِنَّ آدَمُ قَتَابَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى قَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ قَتَابَ عَلَيْهِ وَ مَا مِنْ عَبْدٍ مَكْرُوبٍ يَخْلُصُ النَّيَّةَ وَ يَدْعُو بِهِنَّ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ: بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۳۳۳. همان.^{۲۴}

^{۲۵} "قَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ قَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ": قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۷.
^{۲۶} رسول خاتم می‌فرماید: "فَلَمَّا عَصَى آدَمُ رَبَّهُ وَ سَأَلَهُ يَحْقِنَا أَنْ يَتَقَبَّلَ تَوْبَتَهُ وَ يَغْفِرَ خَطِيئَتَهُ فَأَجَابَهُ وَ كُنَّا الْكَلِمَاتِ تَلَقَّاها آدَمُ مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- قَتَابَ عَلَيْهِ وَ غَفَرَ لَهُ" یعنی: هنگامی که آدم از [فرمان] خدا نافرمانی کرد، به حق ما (اهل بیت) از خدا خواست تا توبه‌اش را قبول کند و از خطایش بگذرد؛ پس [از این رو] خدا نیز خواسته‌اش را اجابت فرمود. ما هستیم آن «کلمات» که آدم از پروردگارش فراگرفت پس خداوند توبه‌اش را پذیرفت و او را بخشید: تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۴۳. ذیل آیات ۷۴ تا ۷۶ سوره انعام؛ بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۳۳.

برسی، باید از میوه‌ی درخت علم آنها بخوری. او به خدای متعال سوگند یاد کرد که راستگو و خیرخواه آدم و همسرش است.

- آدم و حوا که گمان نمی‌کردند مخلوقی به خداوند متعال قسم دروغ بخورد، فریب سوگند دروغین شیطان را خوردند و از میوه‌ی درخت ممنوعه چشیدند. در حالی که عهد خود را با خدا فراموش کرده بودند.

- آدم و حوا از کار خود سخت پشیمان شدند و از پروردگار خویش طلب بخشش نمودند.
- جبرائیل به آدم و حوا کلماتی ویژه آموخت تا توسط آن به درگاه الهی توبه کنند. پس از آنکه آنها خداوند متعال را به حق آن کلمات - یعنی رسول اکرم و اهل بیتش - سوگند دادند خداوند رحمان، توبه‌ی ایشان را پذیرفت.

